ادامه از صفحه اول

بهار ۱۴۰۰ و افق پیش‌روی ایران

افزایش شمار فقرا و اقشار کم‌درآمد پیامدهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی خاص خود را درپی دارد؛ وضعیتی که نباید از چشم مسئولان طرازاول کشور و تحلیلگران این حوزه دور مانده باشد! پیش از این، اعتراضات آبان ۱۳۹۸ به افزایش قیمت بنزین کاهش چشمگیر تاب‌آوری اجتماعی در کشور را نمایان کرده بود. این اعتراضات را نمی‌توان صرفا به موضوع افزایش قیمت بنزین ارجاع داد بلکه مجموعه عوامل متنوع و متعدد ساختاری است که جرقه بنزینی موجب شعله‌ورشدن آن شد و متأسفانه غمی بزرگ بر دل ایرانیان افکند. فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش شدید اعتماد اجتماعی یکی از پیامدهای استمرار شرایط سخت اقتصادی در کشور است که روزبه‌روز ابعاد آن نگران‌کننده‌تر می‌شود. استمرار این شرایط به نوبه خود تاب‌آوری اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و بدین وسیله چرخه معیوبی از پیامدهای بعدی هویدا می‌شود.

از منظر منطقه‌ای و بین‌المللی نیز شرایط کشور نیازمند ارزیابی انتقادی جدی است. بن‌بست روابط میان ایران و آمریکا و اثرات تحریم‌های ظالمانه بر زندگی روزمره ملت ایران بدون آنکه از درون کشور ابتکار عمل دیپلماتیک و مؤثر و جدی برای لغو تحریم‌ها صورت گیرد، یکی از مهم‌ترین مسائل ایران در سطوح بین‌المللی است.

تشدید شکاف‌های میان عربستان و هم‌پیمانان منطقه‌ای عربستان هم بر سیاهه مسائل کشور در حوزه روابط بین‌المللی افزوده است. این وضعیت پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل توجهی درپی داشته است. از سویی این گروه از کشورهای منطقه با اعمال فشار بر دولت آمریکا و کشورهای اروپایی به مانعی در برابر برگشت آمریکا به برجام مبدل شده‌اند و از دیگر سوی در دنیای اسلام موجب دورشدن دیگر کشورها از ایران شده‌اند!

همچنین افزایش رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و ترکیه و تلاش ترکیه برای افزایش روابط با پاکستان و افغانستان و جمهوری آذربایجان نشان داده در این شرایط سخت ایران با مشکلات بغرنجی در میان همسایگان خود دست‌وپنجه نرم می‌کند. حاصل‌جمع جبری این وضعیت در سیاست خارجی نشان می‌دهد روابط بین‌المللی و منطقه‌ای کشور پر مسئله و با گره‌های متعددی روبه‌رو است و گشوده‌شدن این گره‌ها نیازمند ابتکار عمل دیپلماتیک چندجانبه و هماهنگ‌سازی ساختار نهادهای ذی‌مدخل در سیاست خارجی کشور است. استمرار این شرایط هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و ... بر کشور تحمیل می‌کند.

در حوزه سیاست داخلی نیز کشور در سال ۱۳۹۹ با مسائل پیچیده‌ای دست‌به‌گریبان بود. عدم توجه جدی دولتمردان به این دسته از مسائل موجب افزایش شکاف میان دولت و ملت شده و نارضایتی‌های گسترده بیش از هر زمان دیگری موجب شده تا افق پیش‌رو، چشم‌انداز با ثبات و امیدبخش و اطمینان‌بخشی را به نمایش نگذارد. حل‌نشدن قطعی موضوع حصر، ضعف و ناکارآمدی در سیستم حزبی به دلیل محدودیت‌های ساختاری و موانع متعدد پیش‌روی فعالیت احزاب سیاسی، دخالت‌های روزافزون دستگاه‌های مختلف در حوزه فرهنگی و هنری و مسائلی از این دست موجب شده تا فضای سیاسی داخلی با شور و نشاط آماده استقبال از مهم‌ترین اتفاق سیاسی پیش‌روی یعنی انتخابات ریاست‌جمهوری در بهار ۱۴۰۰ نباشد. اگر تغییر محسوسی در فضای روانی و سیاسی کشور بروز نکند با توجه به برگزاری کم‌رونق انتخابات مجلس در اسفندماه ۱۳۹۸ احتمالا انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری هم با استقبال گسترده شهروندان ایرانی روبه‌رو نشود. مجموعه شرایط پیش‌روی کشور نشان می‌دهد تجربه کشور در سال ۱۳۹۹ با ناملایمات و سختی‌هایی دست‌به‌گریبان خواهد بود. مروری بر موضع‌گیری‌های نامزدهای شناخته‌شده و اعلامی فعلی ریاست‌جمهوری نیز نشان می‌دهد شوربختانه توان کارشناسی قابل توجهی در پشت سر این نامزدها قرار نداشته و برنامه مشخص و مطالعه‌شده و کارشناسی‌شده‌ای برای مواجهه با شرایط سخت کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، دیپلماتیک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طراحی و تعریف نشده است.

ادامه در صفحه ۹

در گفت‌وگو با احمد حکیمی‌پور و برگرفته از خاطرات احمد زیدآبادی و صدیقه وسمقی

۳ روایت از روز ترور حجاریان

امیرحسین جعفری

امروز
گروههای سیاسی ترور حجاریان را محکوم کردند
شلیک به مغز متفکر اصلاحات
ترور حجاریان اقدامی برای ایجاد بحران در کشور است
وزارت اطلاعات جلوی اقدامات تروریستی را می‌گیرد

حوادث پس از روی‌کارآمدن دولت اصلاحات در بعضی از موارد هنوز مبهم است؛ به‌ویژه ترور سعید حجاریان‌کاشانی، نایب‌رئیس شورای شهر اول تهران که در آن سال‌ها سروصدای زیادی به راه انداخت. سعید حجاریان ملقب به سعید مظفری سابقه انقلابی‌گری مفصلی را در گذشته خود دارد، او از مؤسسان وزارت اطلاعات و نیروهای اطلاعات نخست‌وزیری بوده است و جامعه ایران حجاریان را با دو عنوان مغز متفکر اصلاحات و نیروی امنیتی می‌شناسد. او در دهه ۶۰ توسط سازمان مجاهدین خلق ترور شد و جان سالم به در برد اما تجربه تلخ ترور برای حجاریان به سال‌های دهه ۶۰ ختم نشد و دوباره سراغ او آمد.

در ساعت ۱۰:۳۰ روز یکشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۷۸، سعید حجاریان توسط سعید عسگر جوان ۲۰ساله‌ای با اسلحه ماکاروف ترور شد. سعید حجاریان توسط احمد حکیمی‌پور، عضو دیگر شورای شهر تهران، به بیمارستان سینا رسانده شد و از خطر مرگ حتمی نجات یافت؛ اما پس از آن واقعه با لکنت زبان و قطع نخاع روبه‌رو شد. گفته می‌شود از فرهاد مهراد تا عسکراولادی، خاتمی و یونسی برای بهبود او دعا کردند و نگران حالش بودند. نکته جالب آنجاست که یکی از ائمه جمعه در آن سال اعلام می‌کند فلانی را زده‌اند که بمیرد، آن وقت شما به او آمپول چهار هزار تومانی تزریق می‌کنی تا زنده‌اش کنی؟ صحنه جراحی حجاریان در اتاق عمل نیز به گفته ظفرقندی صحنه جالبی بوده است؛ به‌طوری‌که تعدادی از عناصر تندروی محله نازی‌آباد تهران با کلت در اتاق عمل حاضر شدند و او را تهدید کردند که اگر حجاریان زیر عمل بمیرد، خودش نیز با گلوله به او خواهد پیوست. درعین‌حال تعدادی از بیرون ظفرقندی را تهدید می‌کردند اگر فلانی را نجات بدهی تو را از بین خواهیم برد.

پس از آن گمانه‌زنی‌ها از سوی دو جناح سیاسی شروع شد؛ از اتهام به بسیج تا نهضت آزادی مبنی بر دخالت در ترور میان روزنامه‌ها جریان داشت. محسن رفیق‌دوست نیز در گفت‌وگویی گفته بود که او سعید عسگر را به‌عنوان ضارب حجاریان معرفی کرده بود: «من سعید حجاریان را ضد انقلاب نمی‌دانم، حتی سعید عسگر را که قصد ترور سعید حجاریان را داشت، من به وزارت اطلاعات معرفی کردم و قبل از آن هیچ‌کس خبر نداشت... در آن زمان من با آقای علی ربیعی تماس گرفتم و سعید عسگر را به‌عنوان ضارب معرفی کردم. علی ربیعی هم تعجب کرد که چرا این کار را کردم. به برادر سعید حجاریان (مسعود حجاریان) که با من همکار بود، صراحتا گفتم من می‌دانم این کار سعید عسگر بوده است؛ چون چند روز قبل از آن نیز ابوالقاسم شفیعی را ترور کرده بود». پس از مدتی سعید عسگر و دو همدست او دستگیر و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی تنها به ۱۵سال زندان محکوم، اما پس از یک سال آزاد شدند و به گفته حجاریان ترور او برای سعید عسگر حتی سابقه کیفری نیز به‌همراه نداشت! سعید عسگر علت ترور را مبارزه با فساد اعلام کرد اما حجاریان معتقد است علت ترور، پیگیری‌های او در روزنامه صبح امروز مبنی بر افشای قتل‌های زنجیره‌ای بوده است. این ترور یک اتفاق جالب نیز برای مطبوعات داشت؛ رکورد فروش روزنامه صبح امروز که در مقایسه با سایر مطبوعات تا آن زمان رتبه اول یعنی فروش یک میلیون نسخه در روز را تجربه کرد.

برای نگاهی دوباره به این پرونده خونین گفت‌وگو کردیم با احمد حکیمی‌پور، عضو شورا شهر تهران در آن زمان و نگاهی داشتیم به خاطرات احمد زیدآبادی و صدیقه وسمقی که در آن زمان از مطلعین این پرونده بودند. مشروح این پرونده را می‌خوانیم.

روایت احمد حکیمی‌پور

احمد حکیمی‌پور درباره روز ترور حجاریان به «شرق» گفت: «آن روز در شورا جلسه علنی و رسمی داشتیم و چون شورا تازه شکل گرفته بود، جلسات به‌صورت عمومی و با حضور مردم برگزار می‌شد و محوطه شورا هم شلوغ می‌شد. بحث حفاظت اعضای شورا هم مطرح نبود و هرکسی خودش به جلسات می‌آمد. آن روز به نظرم یکشنبه بود، در حال رفتن به سمت شورا بودم؛ جلوی در شورا جای پارک نبود و میان ساختمان شورا و شهرداری پارک کردم. پشت سر من هم آقای حجاریان آمده بود اما جلوی در شورا جای پارک پیدا کرده بود و در این فاصله من در حال پارک‌کردن ماشین بودم که آقای حجاریان به درِ ورودی شورا می‌رسد. من هنوز از ماشین پیاده نشده بودم و در حال نوشتن برنامه روزانه‌ام بودم که در این حین یکی از مراجعین (مقدمی) سریع به سمت من آمد و گفت حاج‌سعید را زدند! البته من صدای تیر را نشنیدم و ضاربان را هم ندیدم. سریع به سمت شورا رفتم و دیدم آقای حجاریان گلوله خورده و همه در بهت و حیرت دنبال آمبولانس می‌گردند. در آن صحنه آقای علیزاده‌طباطبایی و محمدحسین حقیقی از اعضای شورا هم حضور داشتند. در این حین من منتظر آمبولانس نماندم و ماشینم را سریع آوردم و سریع سعید را به صندلی عقب منتقل کردیم و به سمت بیمارستان سینا رفتیم. دو نفر هم همراه من به بیمارستان آمدند؛ آقایان موسوی‌نسبت و مقدمی که صحنه ترور را هم دیده بودند. در مسیر هم یکی از دوستان آقای میرزاابوطالبی تماسی با من گرفت که به او گفتم ماجرا را به تاجزاده خبر بده. آن زمان تاجزاده معاون سیاسی وزیر کشور بود.

وقتی به اورژانس رسیدیم کادر درمانی هنوز متوجه ماجرا نبودند که درگیری لفظی پیدا کردیم و گفتم ایشان فلانی است و ترور شده و در حال مرگ است و سریعا فکری برای او کنید. آن لحظه‌ها دیگر آقای حجاریان در لحظه تمام کرده بود اما نیروهای اورژانس با سوراخ‌کردن گلوی او، راه تنفسی‌اش را باز کردند. دکتر ظفرقندی و شکوری‌راد هم بعدا به جمع اضافه شدند و زمانی که مطمئن شدم کادر درمان اورژانس متوجه ماجرا شده و با جدیت در تلاش‌اند، به سمت شورا حرکت کردم و جریان را به دوستان که در صحن شورا همه در بهت و نگرانی بودند، توضیح دادم». او در پاسخ به این پرسش که بعد از این ترور آیا میان اصلاح‌طلبان ترسی از احتمال ترورهای بعدی وجود داشت، بیان کرد: «آن زمان از این بحث‌ها وجود داشت و باید به مطبوعات و جو آن زمان برگردید. نواری هم منتشر شده بود که بعدا مشخص شد تهدید به ترور نسبت به حجاریان است. آقای حجاریان هم شکایتی نکرد. حجاریان یک بار به طنز گفت: قاضی من آقای رازقندی، پزشکم آقای ظفرقندی است پس حتما عامل ترورم هم بزبزقندی بوده است!».

او در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه شما چرا دستگیر شدید، اظهار کرد: «آقای مقدمی که خبر ترور را آورد و در جلوی شورا شاهد صحنه بود، یک نامه از من برای آقای حجاریان گرفته بود، چون روزهایی که آقای حجاریان به شورا نمی‌آمد، در روزنامه صبح امروز حضور داشت، آقای مقدمی دنبال شغل در مجلس ششم می‌گشت و نامه‌ای از من به میثم سعیدی و آقای حجاریان داده بود تا از طریق نیروهای جبهه مشارکت مشکلش حل شود، چون حجاریان را در روزنامه پیدا نکرده بود، می‌خواست نامه را در شورا به او بدهد. در این حین جریان ترور اتفاق می‌افتد و بعدا روزنامه کیهان و رسالت این اتفاق را به سناریوی پلیسی پیچیده و مسخره‌ای تبدیل کردند و خواستند ماجرا را به درون جریان اصلاحات ربط بدهند. من ایام محرم را به زنجان می‌رفتم که در بعدازظهر تاسوعا من را در خانه مرحوم پدرم دستگیر کردند و این اتفاقات زمانی افتاد که آقای حجاریان هنوز در کما بود و اگر خدای ناکرده ایشان فوت کرده بود، شاید من را به عنوان عامل معرفی می‌کردند! اما ایشان بعد از به‌هوش‌آمدن گفت که با دستگیری حکیمی‌پور مسیر پرونده من دارد منحرف می‌شود. جالب است من خودم حجاریان را به بیمارستان رساندم، دکتر قاجار یکی از عوامل درمان سعید هم بعدا در جلسه شورا توضیح داد که اگر چند ثانیه دیرتر به بیمارستان رسیده بود، از بین می‌رفت. خاطرم هست وقتی دستگیر شدم در اخبار گفتند حکیمی‌پور را به علت احتمال فرار و ازبین‌بردن اسناد و مدارک و بیم تبانی دستگیر کرده‌اند! در دادگاه نیز من را حتی به عنوان مطلع هم نخواستند و در نهایت حکم برائت صادر شد. نکته جالب برایم این است که خبر رساندن حجاریان توسط من به بیمارستان در حال جعل بود و هرچه گفتم من این کار را کردم عده‌ای توجه نمی‌کردند؛ چون بردن حجاریان به بیمارستان سینا توسط من سناریوی آنها را خراب می‌کرد و از معجزات و الطاف الهی بود که خودم در آن لحظه بودم و او را به بیمارستان رساندم.

این فعال سیاسی درباره داستان نوار تهدیدآمیز نسبت به حجاریان هم گفت: «یک نفر نواری به حجاریان داده بود اما بعدا مشخص شد شخصی به‌صورت مستقل و سرخود الکی این کار را کرده است. خیلی از مسائل در آن زمان گفته شد و کمیته حقیقت‌یاب در شورا تشکیل شد اما کار شورا مختل شد. قبل از این واقعه نیز سه نفر از اعضای شورا برای شرکت در انتخابات مجلس از شورا رفته بودند و شورا تضعیف شده بود».

شورا معتقد بود جریانی برای اصلاح‌طلبان در حال بحران‌سازی است که نتوانیم به کارمان برسیم و در نتیجه تلاش کردیم که شورا وارد حواشی نشود، اما در هر صورت فضا به شکلی بود که شورا درگیر حاشیه‌ها می‌شد و در نتیجه شورای شهر اول تهران دو ماه قبل از انتخابات توسط وزارت کشور دولت اصلاحات منحل شد که یکی از طنزهای تلخ روزگار است

او درخصوص تحولاتی که در شورای شهر بعد از این اتفاق رخ داد، ادامه داد: «شورا معتقد بود جریانی برای اصلاح‌طلبان در حال بحران‌سازی است که نتوانیم به کارمان برسیم و در نتیجه تلاش کردیم که شورا وارد حواشی نشود اما در هر صورت فضا به شکلی بود که شورا درگیر حاشیه‌ها می‌شد و در نتیجه شورای شهر اول تهران دو ماه قبل از انتخابات توسط وزارت کشور دولت اصلاحات منحل شد که یکی از طنزهای تلخ روزگار است. آن حوادث تأثیر خودش را در آن سال‌ها گذاشت و جریان اصلاحات در تله رادیکالیسم افتاد».

روایت احمد زیدآبادی

احمد زیدآبادی هم درباره این موضوع در جلد سوم خاطرات خود از آن واقعه چنین یاد می‌کند: «در آن روزها من که از پیروزی اصلاح‌طلبان در مجلس ششم به شوق آمده بودم، برای تحلیل اوضاع سیاسی با سعید حجاریان تماس بیشتری داشتم. یک روز غروب که با سعید در خیابان ولیعصر نرسیده به سه‌راه فاطمی گرم گفت‌وگو بودیم، پیکان فرسوده‌اش بنزین تمام کرد. دونفری از ماشین پیاده شدیم که آن را تا پمپ‌بنزینی در همان نزدیکی هل دهیم. در طول مسیر متوجه شدم که حجاریان به طور نامتعارفی به اطراف خودش دقتی ندارد و فقط جلوی پایش را نگاه می‌کند. درست به خلاف من که معمولا چشم‌انداز اطرافم را زیر نظر دارم و بیشتر چشم به دوردست می‌دوزم تا جلوی پایم. از هنگامی که سعید وارد شورای شهر شده بود، من او را زیاد نمی‌دیدم و معمولا هنگامی که برای دیدن علی رضایی به دفتر روزنامه صبح امروز می‌رفتم، فرصتی هم برای گفت‌وگو با او دست می‌داد. او بعضا اصرار داشت که برای دیدنش به محل شورای شهر در خیابان بهشت بروم، اما آنجا از محل روزنامه همشهری دور و درعین‌حال نهادی رسمی بود و این دو مرا برای رفتن به آنجا ترغیب نمی‌کرد. با این حال، پس از پرکردن باک پیکان در پمپ‌بنزین خیابان فاطمی، با هم قرار گذاشتیم که صبح روز ۲۲ اسفند در محل شورای شهر همدیگر را ببینیم.

با این قرار که البته من آن را مشروط به حال‌وهوایم در آن روز کردم، از او جدا شدم و سمت خانه‌مان رفتم. صبح ۲۲ اسفند من حسی برای ترک خانه در خود ندیدم و با به‌یادآوردن شرط و شروطم با سعید، ترجیح دادم که به جای رفتن به خیابان بهشت، خود را برای عزیمت به سمت روزنامه آماده کنم. هنوز خانه را ترک نکرده بودم که تلفن منزل به صدا درآمد. آن سوی خط نیلوفر قدیری از همکارانم در سرویس خارجی روزنامه همشهری بود که با صدایی گرفته گفت گویا در مقابل شورای شهر به سعید حجاریان شلیک شده است! با دلهره و دستپاچگی پرسیدم یعنی چی؟ یعنی مشکلی برایش پیش آمده است؟ نیلوفر پاسخش به‌گونه‌ای بود که یعنی کار سعید تمام شده است. پای تلفن وا رفتم و مدت زمانی طول کشید تا حواسم را جمع‌وجور کنم. مهدیه که حالم را دید با ترس و وحشت پرسید چه خبر شده؟ گفتم حجاریان را ترور کردند! بیش از آن معطل نماندم و با عجله خودم را به روزنامه رساندم. نخستین خبری که در روزنامه شنیدم این بود که حجاریان در جریان ترور کشته نشده و به حال کما به بیمارستان سینا منتقل شده است. این خبر مرا قدری آرام کرد؛ گرچه نگرانی همچنان پابرجا بود. وقتی جزئیات ماجرای ترور حجاریان را به نقل از رسانه‌ها خواندم، پیش خود اندیشیدم که اگر صبح آن روز بر سر قرارم با او حاضر می‌شدم، چه‌بسا ممکن بود با دیدن تروریست‌ها به او هشدار دهم! به نظرم آمد که اگر حجاریان اطرافش را می‌پایید و صرفا به جلوی پایش توجه نمی‌کرد، می‌توانست از عملیات ترور جان سالم به در ببرد. با این حال، حضور من در آن ساعت در جلوی شورای شهر می‌توانست برایم خطرآفرین هم باشد؛ البته نه از باب آنکه هدف مهاجمان قرار گیرم، بلکه بدان علت که متهم به شرکت در توطئه ترور او شوم!».

روایت صدیقه وسمقی

صدیقه وسمقی هم در کتاب خاطرات خود از آن روز و حواشی پس از آن این‌گونه یاد می‌کند: «روز ۲۱ اسفند به دفتر حجاریان رفتم و به او گفتم تهدیدها علیه خود را جدی بگیرد و با گماردن محافظ موافقت کند. او با خنده گفت این حرف‌ها شوخی است، آنها که روز روشن، پیش چشم مردم مرا نمی‌زنند. او افزود: آهنگر آورده‌ام و برای درها و پنجره‌های خانه حفاظ نصب کرده‌ام که اگر اتفاقی افتاد بتوانم ۲۰ دقیقه مقاومت کنم تا از کلانتری نیرو برسد! روز ۲۲ اسفند ۱۳۷۸ حدود ساعت ۹ صبح برای شرکت در جلسه علنی به شورای شهر رسیدیم. وضعیت غیرعادی بود و زمین مقابل شورا خون‌آلود بود. گفتند که چند دقیقه قبل سعید حجاریان، نایب‌رئیس شورا، هنگام ورود به ساختمان ترور شد. شاهدان گفتند که جوانی سوار بر موتور ۱۰۰۰ از ساعت هفت صبح آن سوی خیابان، مقابل شورا درحالی‌که تخمه می‌خورد منتظر بود. هنگامی که حجاریان از ماشین پیاده شد و به سوی شورا رفت فردی به او نزدیک شد و با او به گفت‌وگو پرداخت. در همین حال جوان موتورسوار به سوی او آمد و از فاصله دومتری به او شلیک کرد. حکیمی‌پور در همان هنگام از راه رسید. او و موسوی‌نسب و مقدمی سریعا حجاریان را به بیمارستان سینا بردند. در جلسه حاضر شدیم. نمی‌دانستیم که آیا حجاریان زنده است یا نه.

ادامه در صفحه ۳

روزنه

سخنگوی شورای نگهبان:

نامزدی افرادی با سابقه نظامی منع قانونی ندارد

● **شرق:** «حضور افرادی با سابقه نظامی در انتخابات ریاست‌جمهوری منع قانونی ندارد»؛ این پاسخ کدخدایی به ابهام تأیید صلاحیت شدن یا نشدن نامزدهای نظامی در انتخابات است. البته پیش از این سخنگوی شورای نگهبان توضیح داده بود که نامزد نظامی باید از محل اشتغال به خدمت خود استعفا بدهد. هرچند نمایندگان مجلس در طرح اصلاح قانون انتخابات در این اندیشه هستند که نظامیان بدون استعفا بتوانند نامزد انتخابات شوند، اما این امر مورد پذیرش شورای نگهبان قرار نگرفته است و همچنان نظامیان صرفا با جدایی از محل خدمت می‌توانند وارد کارزار انتخابات شوند. کدخدایی در نشست خبری دیروز خود در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا دیدگاه امام خمینی(ره) در مورد فعالیت سیاسی نظامیان تأثیری در تصمیم اعضای شورا برای بررسی صلاحیت کاندیداهایی با سابقه سیاسی خواهد داشت؟ گفت: اگر رویه شورا را بررسی کنید منع قانونی برای حضور افرادی که سابقه نظامی دارند وجود نداشته و در ادوار مختلف افراد نظامی حضور داشتند و آنچه قانون لحاظ کرده عدم منع ورود این‌گونه افراد است. البته دخالت نظامیان که سوگیری داشته باشند قطعا منع شده است. صرف نامزدشدن برای انتخابات منع قانونی نداشته است. او در پاسخ به سؤالی درباره ممنوعیت ثبت‌نام سران قوا در انتخابات گفت: قانون چنین منعی نگذاشته است و فقط افرادی که در امر اجرا و نظارت بر انتخابات مسئولیت مستقیم دارند، باید قبل از ثبت‌نام استعفا دهند. تا وقتی قانون منع نکرده ما نیز نمی‌توانیم شخصی را برای حضور در انتخابات منع کنیم. یکی از مباحث مهم این روزها سرنوشت اصلاح قانون انتخابات است و با توجه به طرح مغایر قانون اساسی مجلس انتظار می‌رود فرصتی برای اصلاح و بررسی مجدد این طرح ایجاد نشود و انتخابات ۱۴۰۰ با قانون فعلی برگزار شود. در این رابطه کدخدایی با اشاره به طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات ریاست‌جمهوری افزود: ایرادات قبلا گفته شده و مغایرت در اصول ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۰ داشت و برخی از موارد برای اولین بار ذکر شد و با ایرادات شورای نگهبان مواجه شد و جهت اصلاح به مجلس اعاده شد. وی افزود: شورای نگهبان به لایحه مالیات بر ارزش افزوده ایراداتی داشت که به مجلس عودت داده شد. کدخدایی درباره اینکه شما ایراداتی به قانون انتخابات گرفتید، اگر ایرادات شورا پس از تعطیلات عید از سوی مجلس رفع شود این قانون برای انتخابات امسال اجرائی می‌شود، گفت: من نمی‌توانم از طرف مجلس اظهار نظر کنم، منتظر می‌مانیم تا ببینیم این قانون در مجلس چه زمانی بررسی می‌شود. او درباره آخرین اقدامات برای برگزاری انتخابات با شرایط کرونایی هم گفت: ما تابع قانون هستیم؛ جلسات هماهنگی برای آنچه در اختیار ما و وزارت کشور است، برگزار شده است. صندوق‌ها قریب به ۱۵ درصد افزایش خواهد داشت. آنچه تاکنون ستاد مبارزه با کرونا اعلام کرده خطر شیوع ویروس بیشتر در تجمعات است؛ بنابراین ما در تجمعات محدودیت داریم. کدخدایی همچنین درباره تبلیغات کاندیداها عنوان کرد: تبلیغات غیرمجاز انتخاباتی را در بررسی صلاحیت‌ها مدنظر قرار خواهیم داد. کدخدایی تصریح کرد: تعداد صندوق‌ها در انتخابات ۱۴۰۰ چیزی در حدود ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. واکنش به سخنان حدادعادل در ردصلاحیت‌دانستن محمود احمدی‌نژاد یکی از سؤالات دیروز بود که کدخدایی در پاسخ گفت: من پاسخ دادم و لازم نیست تکرار کنم حتی بنده نمی‌دانم افرادی که ثبت‌نام می‌کنند یا خواهند کرد شورا چه نظری دارد و باید منتظر ماند که بررسی شورا چیست و نظر جمعی شورا ملاک است. نسبت به افراد قانون حکم کرده و ما برای هر دو نوع انتخابات بررسی صلاحیت را داریم و در همان دور افراد بررسی صلاحیت می‌شوند و منوط به رفتار افراد و گزارش‌هاست و تا زمانی که کسی ثبت‌نام نکند نمی‌توانیم اظهارنظر داشته باشیم. سخنگوی شورای نگهبان درخصوص گزارش‌های واصله به شورای نگهبان و نظارت بر اظهارنظرهای مجازی نیز اظهار کرد: شورای نگهبان محدودیتی در دریافت گزارش ندارد و گزارش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ بنابراین فرقی نمی‌کند که چه کسی برای ما گزارش ارسال کند.

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه۹عملیات انتقال گاز

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی – شماره فراخوان سامانه ستاد : ۲۰۹۹۰۹۱۸۶۱۰۰۰۰۲۸ شماره مناقصه: ۸۸۷۹۰۰۳۲

شماره مجوز: ۱۳۹۹۰۷۴۵۸

نوبت دوم

منطقه ۹ عملیات انتقال گاز در نظر دارد مناقصه با مشخصات زیر را به پیمانکاران ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید. داوطلبان می توانند جهت رویت اطلاعات کامل به سایت شرکت انتقال گاز ایران ((www.nigtc.ir درگاه منطقه ۹ عملیات، بخش آگهی مناقصات مراجعه نمایند.

۱-نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۹عملیات انتقال گاز) ساری-بلوار طالقانی، نرسیده به میدان هلال احمر تلفن: ۰۱۱۳۳۸۰۵۶۱۲

۲-موضوع و محل اجرای پروژه: خدمات حمل و نقل خودرویی منطقه۹ عملیات انتقال گاز سال ۱۴۰۰

۳-محل، زمان و مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)- از مورخ۹۹/۱۲/۲۵ الی ۹۹/۱۲/۲۷ صرفا از طریق سامانه ستاد امکان دانلود (دریافت) اسناد مناقصه امکان پذیر است.

۴-تحویل مدارک و اسناد استعلام ارزیابی کیفی: تا مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ صرفا از طریق سامانه ستاد بارگذاری اسناد امکان پذیر است.

۵- برآورد تقریبی پروژه: ۱۰۹ میلیارد ریال

۶-شرایط شرکت در مناقصه:

الف) ارائه گواهینامه صلاحیت پیمانکاری از اداره کار در زمینه حمل و نقل

ب) ارائه گواهی نامه صلاحیت ایمنی پیمانکاری از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی

ج) واریز مبلغ پانصد هزار ریال به شماره شبا IR۸۰۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۹۰۵۷۱۲۱۴۳۷۹ نزد بانک مرکزی به نام "شرکت انتقال گاز- تنخواه گردان پرداخت - منطقه ۹ عملیات انتقال "

روابط عمومی منطقه ۹ عملیات انتقال گاز

آگهی تسلیم مالکیت مورث موضوع تبصره ۳ ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت

سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷۸ متر مربع به پلاک ۴۲۷/۱۱ واقع در بخش ۴ تهران ذیل ثبت ۹۸۳۴ صفحه ۶۶ دفتر ۹۳ به شماره چاپی ۲۵۷۴۳۴ بنام سید ابوالقاسم گوته صادر و تسلیم گردیده سپس سه دانگ مشاع از ششدانگ بموجب سند قطعی ۶۳۹۶۸و۶۳۷۲۴-۳۴/۳/۱۳ دفتر ۳۶ تهران به حسین عالی نسب انتقال قطعی یافته است که نسبت به آن سند مالکیت ذیل ثبت ۱۰۰۴۹ صفحه ۵۸۶ دفتر ۵۹۴ شماره چاپی۳۱۶۴۶۳ صادر وتسلیم گردیده است و سه دانگ مشاع دیگر مع الواسطه بموجب سند قطعی ۷۲۹۶۵-۳۷/۵/۲ دفتر ۳۶ تهران به حسین عالی نسب انتقال یافته است که حسین عالی نسبت بموجب دادنامه ۱۴۱۴-۷۷/۷/۴ فوت و ورثه حین الفوت ایشان عبارت است از علی حسین و محمد حسین و غلامحسین و آمنه و سکینه همگی عالی نسبت فرزندان متوفی و زهرا نمک شناس همسر متوفی که سهم الارث هر کدام کما فرض اله میباشد لذا خانم آمنه عالی نسب بموجب درخواست ۳۸۳۸ -۸۶/۲/۸ تقاضای صدور سند مالکیت سهم الارث خود را نموده که سند مالکیت نسبت به سهم متقاضی ذیل ثبت ۸۸۷۴۴ در دفتر ۲۳۲ صفحه ۲۶۰ به میزان یک سهم مشاع از ۸ سهم ششدانگ به استثناء ثمن اعیانی صادر گردیده است . نظر به اینکه آقای شهرام صابر بوکالت از آقای محمد حسین عالی نسب برابر وکالتنامه شماره ۱۰۹۴۸۵ مورخ ۹۹/۱۱/۱دفترخانه ۱۹۸ تهران طی درخواست مورخ ۹۹/۱۱/۱۶ تقاضای صدور سند مالکیت مشاعی سهم الارث خود از ششدانگ پلاک فوق الذکر را از این اداره نموده اند و کتبا اعلام داشته اند که اصل سند مالکیت پلاک فوق نزد وراث حسین عالی نسب(خانم سکینه علی نسب) می باشد از اینرو طی شماره ۱۳۹۹۸۵۶۰۱۰۴۲۰۳۰۱۲۹ مورخ ۹۹/۱۱/۲۹به نامبرده اخطار گردیده که عین سند مالکیت صدر الاشعار را جهت اخبار به این اداره تسلیم نماید که در مهلت قانونی از تسلیم سند مالکیت استنکاف نموده است از اینرو باستناد تبصره ۳ ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه آگهی می گردد چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی سند مالکیت اولیه به این اداره تسلیم نگردد مراتب به دفاتر اسناد رسمی اعلام و سپس برابر مقررات نسبت به صدور اسناد مالکیت مشاعی به نامبردگان اقدام خواهد شد. رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران م الف ۱۸۰۶۱